



رباعیاتی از نیشابور

www.ketab.ir

سرناسه : شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۱۸-

عنوان و نام پدیدآور : رباعیاتی از نیشابور، دو دفتر شعر، رباعی‌ها
و دوبیتی‌ها / محمدرضا شفیعی کدکنی.

مشخصات نشر : تهران: انتشارات سخن، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری : ۳۹۲ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۰-۱۰۹-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

عنوان دیگر : دو دفتر شعر رباعی‌ها و دوبیتی‌ها.

موضوع : شعر فارسی — قرن ۱۴

Persian poetry — 20th century

رده بندی کنگره : PIR۸۱۷۳

رده بندی دیویی : ۸۵۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۹۳۲۵۲۲۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



انتشارات سخن

محمد رضا خفیی کدکنی
روایتی از یشایور
روایتی از یشایور
روایتی از یشایور

چاپ اول: ۱۴۰۲
عکس روی جلد: علی رضایی زاده
صفحه آرای: عادل قشقایی
لیتوگرافی: صدف
صحافی: فرد
چاپ: مهارت
تعداد: ۱۱۰۰ نسخه
حقوق چاپ و نشر محفوظ است.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶-۱۰۹-۶
ISBN: 978-622-260-109-6

www.sokhanpub.net E-mail: Sokhanpub@yahoo.com
Instagram.com/sokhanpublication Telegram.me/sokhanpub

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها ۶۶۹۵۲۸۰۴ و ۶۶۹۵۲۸۰۵
فروش آنلاین و پشتیبانی سایت: ۶۶۹۵۲۹۹۶
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، شماره ۲۸، فکس: ۶۶۲۰۵۰۶۲

پرده برداری از چهره نرگسانگی^۱

شاید چند تا از این رباعی‌ها را در نیشابور و کدکن گفته باشم. بقیه را در تهران و در فرنگستان سروده‌ام. با این همه عنوان «رباعیاتی از نیشابور» را برای این مجموعه بسیار می‌پسندم. این نیشابور بیش از آنکه نقطه‌ای روی نقشه جغرافیای خراسان باشد نوعی حال و هوای روحی است. درست مثل مجموعه «در کوچه باغ‌های نیشابور» که نیم قرن پیش از این انتشار یافت.

فرشته می‌گفت: «وقتی در ارومیه دانش آموز دبیرستان بودم، دبیر ادبیات مان که خانم بسیار محترمی بود به من می‌گفت: «فرشته جون! تو خیلی استعداد شعری خوبی داری ولی اینها که تو می‌گویی هنوز وزن و قافیه دارد یا غزل است یا مثنوی یا رباعی. دوره این جور شعرها تمام شده است. اگر می‌خواهی مشهور شوی باید «مدرن» باشی. وزن و قافیه

^۱ narcissism

را باید رها کنی و بریزی دور. یک سطر را دراز کنی و بکشی به اندازه عَرْضِ تمام صفحه و یک سطر را فقط یک کلمه، تا مدرن باشی و نوپرداز. دوره غزل و رباعی و اینجور شعرها دیگر تمام شده است.^۱

حالا من هم حرف معلم آن سال‌های فرشته را گوش نکرده‌ام و متأسفانه مدرن نشده‌ام. هنوز رباعی و دوبیتی هم چاپ می‌کنم. ببینید ما در چه مملکتی زندگی می‌کنیم. بگذریم.

بعضی ازین شعرها، حالتِ «گفتار آشنا»^۱ به خود گرفته و من خودم هم ازین توفیق در شگفتم. هرچه هست بخشی از میراث یک عمر شاعری من است. به خوب و بدش اصلا کاری ندارم. یقین دارم همیشه ذوق و سلیقه‌های «غیرمدرنی» در این مملکت هستند و خواهند بود. منتشرش می‌کنم، برای آن‌گونه ذوق‌ها.

همه این حرف‌ها مقدمه یک نکته بود که می‌خواستم بگویم در شرایطِ سَنی من بهتر است خودم بازمانده‌های شعرم را نظارت کنم تا چاپ شود. این دفتر بخش رباعی‌ها و دوبیتی‌هاست که در کنار «نامه‌ای به آسمان» منتشر می‌شود.

بعد از «آیین‌های برای صداها» و «هزاره دوم آهوی گوهی» و «طفلی به نام شادی»، این مجموعه و «نامه‌ای به آسمان»، چهارمین و پنجمین دیوان‌های من خواهد بود. پیش ازین یادآور شدم که گاه در روز سی - چهل شعر گفته‌ام و گاهی ماه‌ها گذشته است و یک مصراع نسروده‌ام. احوالات شخصی من از این قرار بوده است.

تعداد شعرهایی که تاکنون از من در این پنج دیوان چاپ شده است، حدود هزار و چهارصد شعر است. اگر چند نفر شعرشناس درجه اول،

^۱ Familiar quotation

نخست «صد شعر بدتر» این هزار و چهارصد شعر را برگزینند و بعد از میان آن صد شعر بدتر، ده شعری را که از همه بدتر است انتخاب کنند در هر سفینه و جُنگی که این ده شعر را به عنوان نمونه شعرهای من بگذارند، هیچ گله‌ای نخواهم کرد. انصاف بدهید که کمتر شاعری درین روزگار، با چنین جرأتی پیدا می‌شود. والسلام.

ش.ک

تهران، آذرماه ۱۴۰۱

www.ketab.ir